



بررسی عرفان و اخلاق از دیدگاه سهروردی

نگارش

توبا سلیمی

استاد راهنما: دکتر احمد احمدی

استاد مشاور: دکتر عین الله خادمی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه و حکمت اسلامی

بهمن 1389

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



باسمه تعالی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب توبا سلیمی متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی می باشد.

توبا سلیمی

امضاء

آدرس: تهران- لویزان - کدپستی 16788- صندوق پستی 163- 16785 تلفن 9- 22970060 (داخلی 2347) نمابر 22970011 پست

الکترونیک: sru@sru.ac.i



بررسی عرفان و اخلاق از دیدگاه سهروردی

نگارش

توبا سلیمی

استاد راهنما: دکتر احمد احمدی

استاد مشاور: دکتر عین الله خادمی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه و حکمت اسلامی

بهمین 1389

تقدیم به

طالبان حکمت

عرفان و

اخلاق

با تشکر از

همراه همیشگی ام خداوند بزرگ که هیچ گاه تنه‌ایم نگذاشت

و خانواده دلسوزم که همواره نگران و مشوقم بودند

و با سپاس ویژه از استاد بزرگوارم دکتر احمدی که با دقت و صرف وقت بسیار، به

راهنمایی اینجانب پرداختند

و سپاس خاص از استاد بزرگوارم دکتر خادمی که در طول مسیر کارشناسی ارشد،

همواره راهنمایم بودند

و در نهایت سپاس گذاری می‌کنم از همه دوستانم که مرا در انجام این تحقیق یاری

کردند.

چکیده

موضوع این تحقیق بررسی اخلاق و عرفان سهروردی می باشد. سؤالات مهمی که در این پژوهش با آنها مواجه بودیم، این بود که فلسفه سهروردی چگونه فلسفه ای است و ارتباطش با مسائل عرفانی چیست؟ که بعد از اتمام تحقیق مشخص شد فلسفه سهروردی به شدت رنگ و بوی عرفانی دارد. و از طرفی سهروردی جدای از مباحث فلسفی، به تفصیل به مسائل عرفانی هم پرداخته که این مسائل، هم شامل مسائل عرفان نظری و هم شامل مسائل عرفان عملی می باشد. و ما هم بر این اساس فصل اول کار را به کلیات پایان نامه اختصاص دادیم و در آن به طرح مسأله و ضرورت آن و مسائلی از این دست پرداختیم و در فصل دوم به بررسی برخی از اصول فلسفی سهروردی پرداختیم که این بخش منتج به این شد که سهروردی، اغلب مسائل فلسفی را هم در قالبی عرفانی بیان می کرد. و فصل سوم را به عرفان نظری و فصل چهارم را به عرفان عملی اختصاص دادیم. در این فصول دریافتیم که سهروردی انسان را دارای دو جنبه می داند و اعتقادش بر آن است که روح انسان همچون یک زندانی است که در جسم او اسیر شده و باید برای نجات از این زندان به اصول عرفانی مورد نظر او عمل کند. البته باید توجه داشت که سهروردی اصول عرفانی خود را به شکلی منسجم و در یک کتاب مطرح نکرده، هر چند در رساله کلمه التصوف، بسیاری از این اصول را در حد تعریف و توضیح مختصر بیان کرده است.

و در فصل پنجم به بحث اخلاق و اصول اخلاقی سهروردی پرداختیم و مشخص شد که بعضی از اصول اخلاقی که سهروردی آنها را مطرح کرده، در هیچ یک از کتب اخلاقی پیشین موجود نمی باشد و اینکه سهروردی به شدت انسان دین مداری است و اصول اخلاقی و عرفانی او صبغه دینی دارند.

در این تحقیق از روش کتابخانه ای و توصیفی استفاده شده است.

البته باید متذکر شد که بدون شک سهروردی بر روی نویسندگان، شعرا و فلاسفه بعد از خودش تأثیر گذار بوده است که البته چندان تحقیقی در این مسائل انجام نشده است.

کلید واژه ها: سهروردی، عرفان نظری، عرفان عملی، اخلاق

فصل اول: کلیات.....	1
1-1-1 مقدمه	1
2-1-1 بیان مسأله	3
3-1-1 اهداف تحقیق.....	5
4-1-1 سؤالات تحقیق	6
5-1-1 ضرورت تحقیق	6
6-1-1 روش تحقیق.....	5
7-1-1 پیشینه تحقیق	6
8-1-1 تعریف لغوی عرفان	8
9-1-1 تعریف اصطلاحی عرفان	9
10-1-1 عرفان یا تصوف	10
11-1-1 زمینه های پیدایش عرفان اسلامی	11
12-1-1 پذیرش یا رد عرفان	12
13-1-1 علل گرایش سهروردی فیلسوف به عرفان	13
1-13-1 تحصیل در مراغه	13
2-13-1 اشاره های ابن سینا.....	14
3-13-1 حملات غزالی به فلسفه	14
4-13-1 رواج آیین فرقه اسماعیلیه	14
5-13-1 دین اسلام.....	15
14-1-1 عرفان و تصوف در عصر شیخ اشراق.....	15
فصل دوم: شمه ای از فلسفه ای که رنگ و بوی عرفانی دارد	17
1-2-1 مقدمه	18
2-2-1 نور و ظلمت.....	18
3-2-1 مشرق و مغرب.....	19

19	4-2 نور الانوار
20	5-2 تأکید بر علم حضوری
21	6-2 فرشته شناسی
22	7-2 امکان اشرف
22	8-2 عالم مثال
24	9-2 مشاهده، ابتهاج، اشراق
24	10-2 دلایل سخن گفتن به رمز
25	11-2 انسان در حکمت اشراق
28	12-2 فلسفه ای عرفانی
31	فصل سوم: عرفان نظری از دیدگاه سهروردی
32	1-3 مقدمه
33	2-3 حال و مقام
34	3-3 توحید
38	4-3 خواطر
38	5-3 معرفت
40	6-3 عشق و محبت
41	7-3 لایح، طالع، برق و بارقه
44	8-3 کشف و شهود
47	9-3 پیر، شیخ، قطب
49	10-3 صحو و سکر
50	11-3 جمع و فرق
51	12-3 قبض و بسط
51	13-3 تواجد، وجد و وجود
52	14-3 وقت
53	15-3 فناء
56	16-3 اُنس و هیبت
57	17-3 رضا

- 58..... 3-18 پرهیز از ظاهر بینی و قشری نگری
- 60..... فصل چهارم: عرفان عملی از دیدگاه سهروردی
- 61..... 4-1 مقدمه
- 62..... 4-2 یقظه
- 64..... 4-3 توبه
- 64..... 4-4 اراده
- 65..... 4-5 مجاهده و ریاضت
- 67..... 4-6 خوف و رجا
- 68..... 4-7 توکل
- 70..... 4-8 اهلیت داشتن و فاش نکردن اسرار
- 71..... 4-9 مرگ اختیاری
- 72..... 4-10 خلوت و چله نشینی
- 75..... 4-11 سماع
- 78..... 4-12 زهد
- 79..... 4-13 چگونه عرفان سهروردی، می تواند انسان را به رشد و کمال نزدیک کند؟
- 81..... فصل پنجم: اخلاق از دیدگاه سهروردی
- 82..... 5-1 مقدمه
- 83..... 5-2 معنای لغوی اخلاق
- 83..... 5-3 معنای اصطلاحی اخلاق
- 84..... 5-4 منشأ اخلاق
- 85..... 5-5 فلسفه اخلاق
- 86..... 5-6 ترابط دین و اخلاق
- 91..... 5-7 رابطه عرفان عملی و اخلاق
- 93..... 5-8 اصول اخلاقی از دیدگاه سهروردی
- 93..... 5-8-1 قوای نفس
- 94..... 5-8-1-1 حکمت
- 95..... 5-8-1-2 شجاعت

96.....	3-1-8-5 عفت
97.....	4-1-8-5 عدالت
98.....	2-8-5 فطانت (زیرکی)
99.....	3-8-5 بیان:
99.....	4-8-5 اصابت رأی
100.....	5-8-5 احتیاط
100.....	6-8-5 صدق و راستگویی
101.....	7-8-5 وفا و حُسن عهد
102.....	8-8-5 رحمت (مهربانی و رقت قلب)
102.....	9-8-5 حیا
103.....	10-8-5 عَظْمُ الِهمه (بلند همتی)
104.....	11-8-5 تواضع
105.....	12-8-5 قناعت
106.....	13-8-5 جود و سخا
107.....	14-8-5 صبر
108.....	15-8-5 شکر
109.....	16-8-5 حلم
109.....	17-8-5 سَعَةُ صَدْرٍ
109.....	18-8-5 کتمان سِرِّ
110.....	19-8-5 امانت دار
101.....	20-8-5 رذائل اخلاقی
112.....	خاتمه

فصل اول

کلیات

1-1 مقدمه

انسان‌ها همواره گم‌شده‌ای عزیز داشته‌اند و آن گم‌شده، حقیقت است. برای رسیدن به حقیقت، راه‌های متفاوتی را برگزیده‌اند، راه عقل، راه شرع و راه اشراق و شهود و عرفان.

کسانی که فقط راه شهود و عرفان را انتخاب کرده‌اند، عرفا و متصوفه‌اند، کسانی که فقط راه عقل و استدلال را برگزیده‌اند، فلاسفه‌ی مشاء هستند و کسانی که با استدلال عقلی از دین دفاع می‌کنند، متکلمانند. اما کسانی که برای نخستین بار راه‌های عقلانی و راه‌های اشراقی را به هم پیوستند، فلاسفه‌ی اشراقی بودند.

در قرن ششم هجری که فلسفه‌ی مشاء، با تازیانه‌ها و بدگمانی‌های عده‌ای، رو به افول بود، در آسمان فلسفه‌ی ایران و اسلام، ستاره‌ای درخشیدن آغاز کرد که البته مدت حیاتش چون شهابی زودگذر بود اما مدت نور افشانی و تأثیرش هیچ‌گاه به پایان نرسید. شهاب‌الدین یحیی بن حبش سهروردی (549-587 ه.ق) به راستی چون شهابی بود که در آسمان حکمت ایران و اسلام بدرخشید و بعد از مدت سی و شش سال (سی و هشت سال قمری و سی و شش سال شمسی)، جهان فانی را وداع گفت اما اشراق کلامش تا زمان حال این آسمان را روشن نگه داشته است در این مجال بحث ما بر سر عرفان و اخلاق این فیلسوف اشراقی است. برای فهم عرفان سهروردی، مؤسس فلسفه اشراق، شایسته است ابتدا معنای عرفان، مراحل پیدایش و اصول آن را بررسی کنیم تا با نگاه ژرف‌تر بتوانیم عرفان سهروردی را مورد بررسی قرار دهیم.

و ما این مسائل را در فصل اول بررسی کرده‌ایم و فصل دوم را به بحث از فلسفه سهروردی و بررسی مفاهیم عمده آن اختصاص داده‌ایم و در فصل سوم به بحث از عرفان نظری از دیدگاه ایشان پرداختیم و در فصل

چهارم به عرفان عملی ایشان و در فصل پنجم به بررسی بحث اخلاق و اصول اخلاقی از دیدگاه ایشان پرداختیم.

1-2 بیان مسأله

از زمانی که انسان از روی جهل به تبعیت از شیطان پرداخت و از بهشت جاودانی رانده شد، در پی درک حقیقت و بازگشت به آن بهشت موعود بوده است. برای این مقصود به راه های متعددی دست یازیده است: فلسفه، کلام، عرفان و... علما و حکمای مختلف به این مباحث پرداخته اند. یکی از فیلسوفان بنام ایران زمین، که فلسفه را با عرفان و اصول اخلاقی در هم آمیخت، شیخ شهاب الدین سهروردی است. ما هم در این تحقیق بنای آن داریم تا با فلسفه سهروردی آشنا شویم و ارتباط آن را با مسائل عرفانی دریابیم و این که چه مسائلی باعث شد تا سهروردی به سمت عرفان گرایش یابد و این که سهروردی در عرفان اعم از نظری و عملی، به چه مسائلی پرداخته و در نگاه ایشان که یک حکیم اشراقی مسلمان است، اخلاق چه جایگاهی دارد و چگونه می توان اصول اخلاقی را شناخت.

سهروردی در سال 549 هـ.ق در دهکده سهرورد زنجان دیده به جهان گشود. حکمت و اصول فقه را در مراغه نزد مجد الدین جیلی فرا گرفت. پس از پایان تحصیلات رسمی و کسب تبحر در آنها به سفر در داخل ایران پرداخت و با ملاقات با مشایخ صوفیه، به این شیوه تمایل یافت و به تفکر و ریاضت پرداخت. او چند سالی را هم در عراق و شام به سیاحت و مطالعه گذراند (شهرزوری، 1316 ص 458).

آنچه شهاب الدین سهروردی را در تاریخ اندیشه ماندگار ساخت، مکتب اشراقی یا به بیان دیگر حکمت اشراق است. تأثیر فلسفه اشراق بر تکامل فلسفه در ایران و به ویژه تأثیر آن بر عرفان نظری و نیز فلسفه صدرایی، شاید بیش از تمام نظام های دیگر فلسفی باشد.

مکتب فکری سهروردی را با توجه به استفاده از برخی تعبیرات همچون مُثُل مکتبی مبتنی بر آرای افلاطون و در مقابل افکار ابن سینا و مکتب مشائی، به عنوان فلسفه مبتنی بر آرای ارسطو، خوانده اند. این در حالی است که تأثیر باورهای مذهبی شیخ اشراق به خصوص تفکر و تعمق در آیات قرآن و مشرب عرفانی وی، مهمترین

تأثیر را در شکل گیری سبک فکری او داشته است. آگاهی از تفکرات نوافلاطونی، هرمسی، زرتشتی، اسطوره و... نیز در مکتب فکری وی تأثیر گذار بوده است.

سهروردی در مهمترین کتاب خود یعنی حکمه الاشراق، اصول فلسفه خویش را بیان کرده است. در این کتاب، حکمت را با عرفان پیوند می زند و حتی ادعا می کند اگر کسی از امور ذوقی بهره ای نداشته باشد، قادر به فهم کتاب او نمی باشد.

اشراق با کلمات شرق و خاور هم ریشه است و به معنای تابش و نورانی سازی است. هستی یا وجود مطلق در فلسفه نور مجردی است که از نورالانوار صادر می شود. سایر موجودات، هستی خود را از این وجود مطلق دریافت داشته اند و سلسله مراتب وجود وابسته به نزدیکی موجودات به نورالانوار و میزان درجه اشراق وجودی است که از نورالانوار در یافت می دارند.

سیر تکامل حکمت اشراق را می توان حداقل در چهار کتاب اصلی فلسفی سهروردی یعنی تلویحات، مشارع و مطارحات، مقاومات و حکمه الاشراق مشاهده و دنبال کرد. البته سهروردی کتاب هایی به زبان فارسی هم دارد که در آنها به موضوعات عرفانی و اخلاقی به زبان رمز و تمثیل می پردازد.

علمی که در آن هدف، نیل به حقیقت هستی است، اما نه به مدد عقل و استدلال، بلکه به مدد سیر و سلوک و ریاضت و مجاهده و اشراق و مکاشفه. در واقع تکیه گاه عرفان علم حضوری است، از این رو از دانش شهودی، مدد می جوید و بر آن اعتماد و به آن استناد می کند. اگر گاهی پس از اثبات شهودی، مطلبی از برهان عقلی یا دلیل نقلی معتبر سخن به میان می آورد، فقط برای تأیید و تقویت و ایجاد انس است و برای اثبات اصل مطلب نیست (رشاد، 1380، ج 4، ص 18).

عرفان عبارت است از علم به حضرت حق سبحان از حیث اسماء و صفات و مظاهرش و علم به احوال مبدأ و معاد و به حقایق عالم و چگونگی بازگشت آن حقایق به حقیقت واحدی که همان ذات احدی حق تعالی است و معرفت طریق سلوک و مجاهده برای رها ساختن نفس از تنگنای قید و بند جزئیت و پیوستن به مبدأ خویش و اتصاف وی (نفس) به نعت اطلاق و کلیت (به نقل از یشربی، 1377، ص 232).

از این تعریف می توانیم بفهمیم که عرفان بر دو گونه است عرفان نظری که به شناخت ذات حق تعالی، توحید و معاد و حقایق عالم می پردازد و عرفان عملی که به سیر و سلوک و مجاهده انسان برای رسیدن به

ذات بی منتهای الهی می پردازد. مرحوم سبزواری می گوید این دو (عرفان نظری و عملی) به منزله دو بال انسانند که او باید با این دو بال پرواز کند و اوج بگیرد (حسن زاده آملی، 1379، ص 80).

سهروردی به مسائل عرفانی به صورت پراکنده در آثار خود پرداخته است. برخی از این مسائل شامل مسائل عرفان نظری (جهان بینی و اعتقادات یک عارف) و برخی شامل عرفان عملی (مربوط به سیر و سلوک سالک) می باشد. سهروردی فیلسوف، بزرگترین لذت برای نفس را شهود حقیقت و انوار مجرد و رسیدن به آنها می داند (سهروردی، 1356، ج 3 بند 82).

سهروردی می گوید: امور بر دو گونه اند: گونه ای به کردارهای ما مربوط است و آن را حکمت عملی نامیده اند و گونه دیگر که به کردارهای ما بستگی ندارد و دانش مربوط به آن حکمت نظری نامیده می شود (سهروردی، 80، ج 1، ص 196). و در همین راستاست که عقل انسان دارای دو قوه می شود: عقل عملی و عقل نظری. سهروردی می گوید: و از جهت عقل عملی، کمالش آن است که او را بر بدن هیأت استعلایی باشد نه هیأت انفعالی از بدن و خلق عدالت او را حاصل شود (سهروردی، 56، ج 3، ص 68). همچنین به آراسته شدن آدمی به اخلاق تأکید بسیار دارد، در رساله پرتونامه خود می نویسد آن کسانی که عالم باشند ولیکن اصلاح اخلاق نکرده باشند، ایشان عذاب سخت یابند (سهروردی، 1356، ج 3، ص 266). اینجا می بینیم سهروردی به علمای بی اخلاق واقعی نمی نهد.

1-3 اهداف تحقیق

1-3-1 آشنایی با فلسفه سهروردی و ارتباط آن با عرفان

2-3-1 آشنایی با عرفان نظری سهروردی

3-3-1 آشنایی با عرفان عملی سهروردی

4-3-1 آشنایی با پیوند عرفان عملی و اخلاق از دیدگاه سهروردی

5-3-1 آشنایی با اصول اخلاقی سهروردی

6-3-1 آشنایی با غایت کمال انسان در عرفان و اخلاق سهروردی

1-4 سؤالات تحقیق

1-4-1 فلسفه سهروردی چگونه فلسفه ای است؟ و ارتباط آن با عرفان چیست؟

2-4-1 اصول عرفان نظری از دیدگاه سهروردی چیست؟

3-4-1 اصول عرفان عملی از دیدگاه سهروردی چیست؟

4-4-1 عرفان عملی و اخلاق در نگاه سهروردی، چه ارتباطی با هم دارند؟

5-4-1 اصول اخلاقی مورد نظر سهروردی چه مسائلی هستند؟

6-4-1 چگونه عرفان و اخلاق سهروردی بر تکامل انسان تأثیر می گذارد؟

1-5 ضرورت تحقیق

عصری را که در آن به سر می بریم، عصر بحران معنویت می گویند. پس از پایان قرون وسطی، اروپا با افول معنویت مواجه شده و رشد فزاینده ای در زمینه های علمی و صنعتی پیدا کرد. سطح رفاه به شدت بالا رفت و انسان ها بی توجه به معنویات، غرق در مادیات شدند تا آنجا که برخی از آنها اعلام کردند خدا مرده است. برخی، این مسأله را پذیرفتند اما عده ای، خسته از مادیات، در پی امور معنوی بودند. در اینجا عده ای سودجو با معرفی ادیان و عرفان های خود ساخته به جذب جویندگان معنویت پرداختند. این مسأله عرفان های خودساخته در سرزمین های اسلامی هم رخ نمود.

اما فرهنگ ایران زمین که با فرهنگ اسلامی تلفیق شده، نیازمند ساخت دین و عرفان جدید نبوده و نیست. یکی از احیاگران فرهنگ پاک ایران باستان، سهروردی است که در عین حال مسلمانی است که از آموزه های دین اسلام به خوبی بهره برده است.

در این زمان که مرزهای جغرافیایی کمرنگ شده، ضرورت دارد تا با شناساندن عرفان و اخلاق فیلسوفی ایرانی اسلامی به جویندگان حقیقت کمک کنیم تا به نور کم سوی چراغ های دست ساز بشری دل خوش

نکنند. پس بر ماست که اصول عرفانی و اخلاق حکمای بزرگ خود را مورد مطالعه قرار دهیم و سپس آن را بر جهانیان عرضه داریم.

6-1 روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه ای و توصیفی استفاده شده است. به این صورت که ابتدا منابع دست سوم و دست دوم مورد مطالعه قرار گرفته و پس از آشنایی با فضای کلی کار، مشغول مطالعه متون دست اول و اصلی از جمله آثار سهروردی شدم و هم زمان با این مطالعات فیش برداری را شروع کردم و در نهایت با توجه به فصل بندی مورد نظر، مطالب را به نگارش در آوردم.

7-1 پیشینه تحقیق

از زمانی که جوامع بشری تشکیل شده اند، بحث از اخلاق مطرح بوده است و پایبندی به اصول اخلاقی را مقدمه رشد فردی و رشد جامعه دانسته اند. زمان دقیق پیدایش عرفان نیز به درستی مشخص نیست. ولی در همه ادیان، رگه هایی از تعالیم عرفانی دیده می شود که البته دین اسلام هم حاوی ژرفترین مفاهیم عرفانی است. از آنجا که زهد و روگردانی از دنیا یکی از مهمترین مسائل عرفان و تصوف می باشد، می توان گفت عرفان به شکل عملی آن از آغاز شکل گیری جامعه اسلامی، وجود داشته است، از خود پیامبر گرفته تا پیروان و اصحاب وی.

شاید بتوان گفت اولین آثار عرفانی، دعاها، مناجات نامه ها و مقالات ائمه معصومین (ع) می باشد. اما در میان کتاب هایی که به شکل امروزی نوشته شده اند از کتاب رعایه حقوق الله از حسن بصری (وفات 110 هـ) به عنوان اولین کتاب عرفانی یاد می شود. بعد از وی کسانی مثل ابونصر سراج طوسی، ابو سعید ابوالخیر، عطار

نیشابوری، غزالی و شهاب‌الدین سهروردی، کتاب‌هایی در زمینه اخلاق و عرفان به رشته تحریر در آوردند اما عرفان نظری با ابن عربی به اوج خود رسید.

اما در باب پیشینه بحث از عرفان و اخلاق سهروردی، متأسفانه با وجود اینکه وی فیلسوفی ایرانی است و حدود هشتصد سال از مرگ ایشان می‌گذرد، کتاب‌های زیادی راجع به ایشان تألیف نشده است. البته در چند سال اخیر بزرگانی چون دکتر نصر و هانری کربن در غرب به معرفی سهروردی پرداخته‌اند که البته آثار ایشان به فارسی هم برگردانده شده‌اند. اینک در اینجا به چند مورد از مهمترین کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در این باب نگاشته شده‌اند، اشاره می‌کنم:

الف) کتاب‌ها: شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی از غلامحسین ابراهیمی دینانی، سیری در فلسفه اشراق از سید جعفر سجادی، شرح قصه غربت غربی از عباس داکانی و سه حکیم مسلمان از سید حسین نصر. ب) مقالات: روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان از هانری کربن، فلسفه اشراق نور و ظلمت از سید جعفر سجادی.

ج) پایان‌نامه‌ها: عرفان و فلسفه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، عبدالله صلواتی راهنما دکتر بهشتی. عرفان اسلامی و عرفان التقاطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رضا مدنی، راهنما دکتر ذبیحی. رابطه عرفان، اخلاق و توسعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، یوسف حسین نژاد راهنما دکتر ذبیحی. پس از این مطالب که مقدمتاً ذکر شد، به بحث از عرفان می‌پردازیم.

8-1 تعریف لنوی عرفان

عرفان یعنی شناختن، باز شناختن، معرفت، شناختن حق تعالی و معرفت او. عرفان به معنای عام یعنی وقوف به دقایق و رموز چیزی، مقابل علم سطحی و قشری است. عرفان به معنای خاص یعنی یافتن حقایق اشیاء به طریق کشف و شهود (معین، 1388، ص 827). همان‌طور که می‌دانیم عرفان از ریشه عَرَفَ گرفته شده و به معنای شناختن است و همان‌گونه که پیشتر بیان کردیم انسان همواره در پی شناختن است و برای این امر به راه‌های مختلف می‌رود که یکی از راه‌ها، عرفان است، یعنی شناخت به وسیله کشف و شهود قلبی.

1-9 تعریف اصطلاحی عرفان

علمی که در آن هدف، نیل به حقیقت هستی است، اما نه به مدد عقل و استدلال، بلکه به مدد سیر و سلوک و ریاضت و مجاهده و اشراق و مکاشفه. در واقع تکیه گاه عرفان علم حضوری است، از این رو از دانش شهودی، مدد می جوید و بر آن اعتماد و به آن استناد می کند. اگر گاهی پس از اثبات شهودی، مطلبی از برهان عقلی یا دلیل نقلی معتبر سخن به میان می آورد، فقط برای تأیید و تقویت و ایجاد انس است و برای اثبات اصل مطلب نیست (رشاد، 1380، ج 4، ص 18).

هدف عرفان به درک و فهم حقایق، وصول و اتحاد و فنا در حقیقت است. در این مکتب، بینش بر دانش و درون بر برون و حال بر قال ترجیح دارد.

البته خود عرفا هم تعاریف مختلفی از عرفان ارائه می دهند که این شاید به حال یا مقام آن زمان یک عارف خاص مربوط می شود و شاید هم مربوط باشد به سطح درک و فهم و شرایط مستمع.

در اینجا چند نمونه از این تعاریف را بیان می کنیم. مثلاً ذوالنون مصری می گوید: عرفا کسانی اند که خدای را بر همه چیز بگزینند و خدای ایشان را بر همه بگزینند (عطار نیشابوری، 1370، ج 1، ص 133). و جنید بغدادی می گوید تصوف، صافی کردن دل است از مراجعت خلقت و مفارقت از اخلاق طبیعت و فرو میراندن صفات بشریت و دور بودن از دواعی نفسانی و فرود آمدن بر صفات روحانی و بلند شدن به علوم حقیقی و به کار داشتن آنچه اولی تر است الی الابد و نصیحت کردن جمله امت و وفا به جای آوردن بر حقیقت و متابعت پیغمبر کردن در شریعت (همان، ج 2، ص 32). و ابو سعید می گوید آنچه در سرداری بنهی و آنچه در کف داری بدهی و آنچه بر تو آید نجهی (همان، ج 2، ص 73). اما این تعاریف مربوط به زمانی است که علم عرفان و تصوف به شکل مدون در نیامده بود در اینجا تعریفی از قیصری را ذکر می کنیم که مربوط به دوره ای است که عرفان به شکلی مدون و نوشته شده با تمام دقائق آن در آمده است: عرفان عبارت است از علم به حضرت حق سبحان از حیث اسماء و صفات و مظاهرش و علم به احوال مبدأ و معاد و به حقایق عالم و چگونگی بازگشت آن حقایق به حقیقت واحدی که همان ذات احدی حق تعالی است و معرفت طریق